

۳

نقش اشتراکات ایران و عراق در شکل‌گیری همگرایی در حوزه انرژی

دکتر ایوب منتی^۱

دکتر ناصر هادیان^۲

^۱. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل (نویسنده مسئول) ayooob.menati@gmail.com

^۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران n.hadian@ut.ac.ir

چکیده

ایران و عراق، دو کشور همسایه با اشتراکات متعدد بوده و هستند که روابط پر فراز و نشیبی داشته و حتی در تاریخ روابط خود، یک دوره جنگ را هم تجربه کرده‌اند. پس از سال ۲۰۰۳ با سقوط رژیم بعث و حضور شیعیان و اکراد در ساختارهای قدرت عراق، با پررنگ شدن نقش اشتراکات دو کشور فصل جدیدی در روابط ایران و عراق بخصوص در زمینه همکاری‌های اقتصادی بویژه در بخش انرژی ایجاد شد. این مقاله به بررسی همگرایی اقتصادی دو کشور در حوزه انرژی خواهد پرداخت و بدنبال پاسخ به این پرسش است که اشتراکات مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و عراق چه نقشی در شکل‌گیری همگرایی اقتصادی دو کشور در حوزه انرژی داشته‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش ضمن بهره‌گیری از آمارها و داده‌های مستند، از روش توصیفی، تحلیلی استفاده شده و هدف آن است که ابعاد مختلف شکل‌گیری همگرایی اقتصادی ایران و عراق مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که اشتراکات مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و عراق باعث نزدیک شدن دیدگاههای سران دو کشور در جهت همراستایی منافع و شکل‌گیری و تداوم همگرایی اقتصادی دو کشور در حوزه‌های مختلف از جمله انرژی شده است.

• واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، عراق، همگرایی اقتصادی، انرژی، منطقه‌گرایی.

نظریه همگرایی^۱ بعد از جنگ جهانی دوم برای تجزیه و تحلیل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بکار رفته است. «پرسش در مورد امکان همگرایی دو کشور در سیاست خارجی یکی از مهمترین پرسش‌ها در عرصه مطالعات بین‌الملل محسوب می‌شود. از این منظر بخشی از مطالعات نظری در روابط بین‌الملل بر مبنای تلاش برای فهم عوامل و موانع همگرایی دولت‌ها با یکدیگر است» (شریعتی، ۱۳۹۶: ۳۰-۲۹). بر این اساس مطالعه همگرایی دو کشور ایران و عراق می‌تواند حائز اهمیت زیادی باشد. ایران و عراق، دو کشور همسایه با در همبافتگی‌هایی متعدد، بوده و هستند که روابط پر فراز و نشیبی داشته‌اند. این دو کشور بجز دوره‌هایی استثنایی، پیوند استراتژیک با هم نداشته و یا مانند دشمن و یا در خوشبینانه‌ترین حالت همچون رقیب آشتی‌ناپذیر ظاهر شده‌اند. در دوره پادشاهی با وجود اختلاف نظرهایی در زمینه مرزها، از روابط مسالمت‌آمیزی برخوردار بودند. شاید اوج روابط و مناسبات ایران و عراق پیش از انقلاب، نیمه دهه ۱۹۷۰ و قرارداد الجزایر باشد. لیکن اندیشه‌های ژئوپلیتیک^۲ بغداد زمینه جنگ میان عراق و ایران را ایجاد کرد و طولانی‌ترین جنگ را در ربع آخر سده بیست رقم زد. این در حالی است که دو کشور دارای بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک و در حوزه‌های گوناگون مذهبی، تاریخی، زبانی، فرهنگی اشتراکات زیادی با هم دارند. با این وجود، پس از ظهور عراق جدید در سال ۲۰۰۳، با پر رنگ شدن نقش اشتراکات دو کشور، فصل جدیدی در روابط ایران و عراق بخصوص در زمینه همکاری‌های اقتصادی در حوزه انرژی شکل گرفته است و از آنجا که دو کشور ایران و عراق از لحاظ اقتصادی وابسته به نفت هستند هر دو کشور تلاش دارند که حوزه‌های نفتی خود را از جمله میادین مشترک، گسترش داده و موقعیت خودشان را در اوپک ارتقا دهند. لذا، همکاری ایران و عراق در حوزه انرژی از جمله نفت، گاز، برق و بخصوص در میادین مشترک نفتی باعث ایجاد و گسترش همگرایی دو کشور خواهد شد. در این مقاله به چگونگی نقش اشتراکات دو کشور در شکل‌گیری همگرایی‌های اقتصادی ایران و عراق خواهیم پرداخت. بر پایه این توضیحات، سوال اصلی مقاله آن است که «اشتراکات مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و عراق چه نقشی در شکل‌گیری همگرایی اقتصادی دو کشور

^۱. integration

^۲. Geopolitics

در حوزه انرژی داشته‌اند؟» در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که: «اشتراکات مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و عراق باعث نزدیک شدن دیدگاه‌های سران دو کشور در جهت همراستایی منافع و شکل‌گیری و تداوم همگرایی اقتصادی دو کشور در حوزه‌های مختلف از جمله انرژی شده است». در این فرضیه اشتراکات دو کشور، متغیر مستقل و همگرایی ایران و عراق متغیر وابسته می‌باشد. و همانطور که از موضوع مقاله و فرضیه آن پیدا است، هدف این پژوهش بررسی چگونگی شکل‌گیری و تداوم همگرایی اقتصادی دو کشور ایران و عراق در حوزه‌های مختلف بویژه در حوزه انرژی می‌باشد که تحقق این امر برای دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیتی اساسی است. این مقاله ضمن بهره‌گیری از آمارها و داده‌های مستند، با روش توصیفی، تحلیلی به منظور آزمون فرضیه در بخش نخست به نظریه همگرایی و با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی و نوکارکردگرایی بعنوان چارچوب نظری مقاله پرداخته و در قسمت بعد بحث همگرایی اقتصادی ایران و عراق در حوزه انرژی را بر اساس سه مؤلفه ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر تحلیل نموده است. در نهایت، ظرفیت‌های دو کشور در حوزه انرژی را مطالعه و فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی همگرایی ایران و عراق در این حوزه بررسی می‌شود.

۱- پیشینه تحقیق

محمد صالح مصطفی، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش ایران در منطقه کردستان عراق» که برای مرکز مطالعات الجزیره در آوریل ۲۰۱۶ نگاشته (Salih Mustafa, 2016: 1-10) به روابط ایران و کردهای عراق و سیاست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به کردستان عراق در دهه‌های اخیر پرداخته است. او به پیشینه روابط دیرینه احزاب سیاسی کردستان عراق با ایران و مناسبات اقتصادی کردستان با ایران بعد از ۱۹۹۰ و بدنبال تحریم‌های بین‌المللی علیه عراق تا به امروز پرداخته است. همچنین، سیاست ایران در قبال استقلال کردستان در سالهای اخیر با ظهور داعش و تحولات داخلی کردستان را مورد بحث قرار داده است. از دید نویسنده علایق و منافع سیاسی- اقتصادی جمهوری اسلامی بواسطه دیدگاه‌های منطقه‌ای آن اولویت اصلی سیاست ایران در این منطقه بوده است. نقطه قوت اثر، نقش ایران را در نزدیک کردن کردها و شیعیان جهت همکاری در عراق به خوبی توضیح داده است. نقطه ضعف مقاله این است که ایشان حضور ایران در عراق را فرقه‌گرایانه و جاه‌طلب بیان می‌نماید ولی مستندات را در این زمینه ارائه نمی‌کند.

سیدسونمز^۱ در سال (۲۰۱۲) مقاله‌ای با عنوان «سیاست عراقی ایران بعد از جنگ دوم خلیج فارس» در نشریه تحقیقات اجتماعی بین‌المللی منتشر کرده است (Sonmez, 2012: 3-12). نویسنده به پیشینه رقابت‌های ایران و عراق در دهه‌های قبل بویژه در مورد هژمونی بر خلیج فارس و منطقه اشاره دارد؛ اما معتقد است که بعد از ۲۰۰۳ توازن قدرت تغییر و مناسبات دو کشور شکل جدیدی به خودش گرفته است. همچنین، در خلال مقاله بسط مناسبات ایران با عراق بعد از ۲۰۰۳ از جنبه‌های مختلف را مورد بحث قرار می‌دهد و به دیدارهای گسترده مقامات دو طرف و توافقنامه‌های دو جانبه و نقش آن در بهبود روابط، روابط اقتصادی و تجاری رو به توسعه، روابط ایران با گروه‌های سیاسی شیعه، انتخابات عراق و روابط ایران با حکومت اقلیم کردستان می‌پردازد. نقطه قوت اثر، موانع گسترش روابط دو کشور را به صورت جامع توضیح می‌دهد. نقطه ضعف آن این است که به ظرفیت‌های همکاری دو کشور در حوزه انرژی اشاره نمی‌کند.

پل سلیم^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط و منافع پیچیده خارجی عراق»، به بحث از سیاست خارجی عراق و مناسبات آن با همسایگانش می‌پردازد (Salem, 2013: 1-17). او در بخشی از مقاله‌اش که برای موسسه کارنگی نگاشته به موضوع مناسبات ایران و عراق بعد از ۲۰۰۳ می‌پردازد و ایران را بزرگترین پیروز ژئواستراتژیک تحولات عراق می‌داند که توانسته است بهتر از کشورهای دیگر به گسترش نفوذش در عراق بپردازد. اما نویسنده در خلال مقاله به اختلافات شیعیان عراق با ایران و عدم علاقه‌شان به مدل حکومتی ایران اشاره دارد. نقطه قوت مقاله، اینکه جایگاه ایران را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی به خوبی توضیح می‌دهد و نقطه ضعف آن این است که نقش اختلافات مذهبی دو کشور را بیش از اندازه پر رنگ می‌کند.

کترمن^۳ در سال ۲۰۱۰ گزارشی با عنوان «روابط ایران و عراق» که برای کنگره امریکا نگاشته است (Katzman, 2010: 1-14)، معتقد است ایران برای دستیابی به اهدافش در عراق از چند راهبرد بهره می‌گیرد از جمله: حمایت از جناح‌های طرفدار ایرانی و شبه نظامی‌های مسلح، تلاش جهت نفوذ بر رهبران سیاسی عراقی و رهبران جناح‌ها و ساختن پیوندها و ارتباطات اقتصادی در سراسر عراق. نقطه قوت اثر، ارتباطات ایران را با جناح‌های سیاسی مختلف عراق به خوبی توضیح می‌دهد و نقطه ضعف اینکه به این موضوع اشاره نمی‌کند که این ارتباطات چگونه شکل گرفته و چه نقشی در همکاری‌های اقتصادی دو کشور دارند.

1. A. Sait Sonmez

2. Paul Salem

3. Katzman

۲- چارچوب نظری

همگرایی و واگرایی دو اصطلاح رایج در ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل هستند. «کشورها تحت تأثیر انگیزه‌ها، نیروها، اهداف و منافع در حالت همکاری، رقابت و تعارض با یکدیگر به سر می‌برند» (حافظ‌نیا و کوندی، ۱۳۸۹: ۱۱). «همگرایی ممکن است هم بعنوان یک فرایند و نیز به صورت یک هدف مورد مطالعه قرار گیرد. بعنوان یک فرایند حرکتی است که در راستای همکاری میان دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فوق ملی است. و این حرکت در راستای همگون‌سازی و ایجاد یک جامعه مدنی جهانی است» (قوام، ۱۳۸۰: ۲۴۴). در همگرایی تلاش بر این است که «از عوامل اختلاف‌زا به نفع اهداف جمعی و مشترک کاسته شود و از طریق گسترش همکاری‌های فنی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در منطقه کمک کرد» (قوام، ۱۳۸۸: ۴۴). «آنچه در همگرایی اهمیت دارد، فرآیندی است که می‌تواند به تعمیق و گسترش همکاری‌ها کمک کند. هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش، وضعیتی را ایجاد می‌کند که مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر می‌شود» (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۳). در یک نگاه کلی نظریه‌های ارائه شده در زمینه همگرایی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱- نظریه فدرالیسم، ۲- نظریه ارتباطات، ۳- نظریه کارکردگرایی، ۴- نظریه نوکارکردگرایی. به نظر می‌رسد از میان چهار نظریه برشمرده در بالا دو نظریه کارکردگرایی و نوکارکردگرایی توانایی و ظرفیت بیشتری برای تبیین همگرایی منطقه‌ای دارند که در ادامه بصورت مختصر به بررسی این دو نظریه می‌پردازیم و در نهایت برای تبیین همگرایی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و عراق در حوزه انرژی، از نظریه نوکارکردگرایی استفاده خواهیم کرد.

کارکردگرایی^۱ یکی از اولین نظریه‌های همگرایی، نظریه کارکردگرایی است. «دیوید میترانی که در ارتباط با آن نظریه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، معتقد است که پیچیدگی فزاینده نظام‌های حکومتی، وظایف اساساً فنی و غیر سیاسی حکومت‌ها در سطح ملی و بین‌الملل را به حدی افزایش داده است که حل آن مستلزم همکاری فن‌سالارانه به جای همکاری نخبگان سیاسی است» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۶۶۶). «کارکردگرایی برخلاف فدرالیسم، غایت‌گرا نیست و درصدد آن نیست که حتماً یک ابر دولت منطقه‌ای فدرال تحقق یابد» (Mitraný, 1996: 109). در عوض بر رشد و گسترش فعالیت‌های کارکردی، فنی، تجاری و اقتصادی جهت دستیابی به صلح و همگرایی منطقه‌ای تأکید دارد

1. Functionalism

(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۸). کارکردگرایان بر این باورند که «در اثر پیشرفت‌های علمی، فنی تکنیکی و افزایش پیچیدگی‌های جوامع کنونی، واحدهای جداگانه سیاسی قادر به تأمین خواسته‌ها و نیازهای انسانی در چارچوب بسته خود نیستند. زیرا احتیاجات جوامع بشری را باید در ورای مرزهای ملی جستجو کرد. بنابراین همکاری گسترده بین دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر است» (قوام، ۱۳۸۰: ۲۴۸-۲۴۶). میترانی مهمترین نظریه‌پرداز کارکردگرایی معتقد است که «اقتصاد و سیاست را می‌توان از هم جدا کرد، آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می‌شود، در عرصه سیاست پایین یا ملایم قرار می‌گیرد و امکان همکاری در آن هست» (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۰). از ایرادهای وارد به رهیافت کارکردگرایی این است که «اهداف، تقاضا و نیازهای دولت‌ها را یکسان و مشابه فرض می‌کند و معتقد است این تشابه به موجب همکاری در زمینه‌های فنی و اقتصادی می‌شود» (صادقی، مارابی و اکسا، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

نوکارکردگرایی^۱: اساس نظریه نوکارکردگرایی بر نظریه کارکردگرایی نهاده شده است. «ارنست هاس^۲ با اصلاحاتی که در نظریه کارکردگرایی بوجود آورد، توانست آن را در مورد جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا بکار گیرد. به عقیده هاس، نوکارکردگرایی به جای تکیه بر ارزش‌های اجتماعی و تأکید بر انگیزه‌های نوع دوستانه، رقابت منافع متضاد را اساس کار خود می‌داند» (Hass, 1964: 230). «نوکارکردگرایی ترکیبی از فدرالیسم و کارکردگرایی است که در آن همگرایی به ایجاد جامعه سیاسی یا نهادهای فراملی منجر می‌شود و ابزار و عوامل اجتماعی- اقتصادی بهترین راه دستیابی به همگرایی است» (فاخری و همدانی، ۱۳۹۸: ۵۷). در نوکارکردگرایی نشان از خیر مشترک و هماهنگی منافع نیست بلکه سعی می‌شود به مقوله همگرایی از دید منافع ابزاری نگریسته شود به همین دلیل، «هاس معتقد است که یکی از معیارهای همگرایی، سود و زیان ناشی از آن است» (Haas, 1958: 13). هاس بر خلاف میترانی، «اقتصاد و سیاست را جدا از هم در نظر نمی‌گیرد و به اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی اذعان دارد» (Haas, 1975: 87). از نظر هاس، «از یکسو پیشبرد آرام هدف همگرایی، مستلزم وجود یک تعهد سیاسی مشترک بین اکثریت بازیگران و رهبران دولتی و از سوی دیگر، عواملی چون اقدامات نسنجیده سیاسی، منافع اقتصادی انفرادی و گرایش‌ات ناسیونالیستی باعث از هم پاشیدگی این وحدت جمعی خواهد شد» (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۹۴). در این برداشت از همگرایی، «گروه‌های ذینفع و احزاب سیاسی در داخل کشورها نیز منفعی را در ایجاد همگرایی دنبال و بر

¹. Neo-functionalism

². Hass, B. Ernest

منافع مشترک متقابل تأکید می‌کنند» (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۱). با عنایت به تحولات سیاسی صورت گرفته در ساختار سیاسی عراق پس از سال ۲۰۰۳ و سقوط رژیم بعث و روی کار آمدن گروه‌های سیاسی شیعه و کرد و دولت متمایل همکاری با جمهوری اسلامی ایران و نیز با توجه به هم تنیدگی مرزهای جغرافیای سیاسی و فرهنگی دو کشور و نیز تهدیدهای امنیتی مشابه، با بهره‌گیری از رهیافت نوکارکردگرایی ارنست هاس به تحلیل همگرایی اقتصادی ایران و عراق در حوزه انرژی پس از سال ۲۰۰۳ خواهیم پرداخت و در ادامه به بررسی وضعیت انرژی دو کشور و همچنین فرصت‌ها و تهدیدات پیش‌روی این همگرایی خواهیم پرداخت.

شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش در ارتباط با مؤلفه‌های همگرایی اقتصادی ایران و عراق در حوزه انرژی



مدل مفهومی پژوهش (نویسندگان)

۳- تاریخچه همکاری‌های اقتصادی ایران و عراق

کشور ما از عهد کهن تاکنون بلحاظ موقعیت جغرافیایی از جایگاه ممتازی برخوردار بوده است. براساس آمار باقیمانده از عصر جدید، ایران دارای روابط گسترده‌ای با همسایه غربی یعنی عثمانی بوده است و بعد از فروپاشی عثمانی، ما شاهد تأسیس عراق در سال ۱۹۲۰ می‌باشیم. لذا، روابط ایران و عراق در دوره قاجار در قالب روابط با عثمانی قابل بررسی است. روابط تجاری ایران با مرزهای غربی به دوره قبل و بعد از سقوط عثمانی در جریان جنگ جهانی اول تقسیم می‌شود. پس از جنگ جهانی اول، در عراق چهار دوره را شاهد هستیم. «دوره پس از جنگ جهانی که بلافاصله دوره سقوط عثمانی و شکل‌گیری دولت مستقل عراق هم‌زمان با اشغال توسط انگلیس است. در این دوره پادشاهی فیصل اول و دوم از ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۴ ادامه دارد. دوره کودتاها دوره بعدی است که کودتای عبدالکریم قاسم، برادران عارف و دوره حزب بعث را شامل می‌شود. دوره بعدی نیز از زمان حمله عراق به کویت است که تا سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ در نتیجه حمله آمریکا به طول می‌انجامد. سرانجام دوره نهایی و آخر، دوره فعلی پس از سقوط صدام است. بعد از این دوره و فروپاشی عثمانی و اشغال عراق و حضور انگلیسی‌ها و کودتاهای پی در پی صورت می‌گیرد». در این دوران جنگ جهانی دوم، قحطی‌ها و بی‌ثباتی‌ها صورت می‌گیرد که نظم روابط سنتی ایران با عراق را به هم می‌زند. بعد از جنگ جهانی دوم، حوادث سیاسی، مسائل کردستان، روی کارآمدن بعثی‌ها باعث می‌شود که در این دوران تا سال ۱۹۹۰ ما دارای روابط بسیار اندک و قلیلی از نظر اقتصادی با عراق باشیم (دانایی‌فر، ۱۳۹۸: ۶-۱). در سال ۱۳۳۸ اگرچه موافقتنامه تجارت آزاد را با عراق امضا شد، اما هیچ وقت اجرا نشد و حجم روابط اقتصادی با عراق افزایش نیافت. در دوره برادران عارف و بعد از آن در دوره حسن البکر شاهد خروج عراقی‌های ایرانی‌الاصل هستیم که این موضوع باعث شد تا سرپل تجاری ایران از بین برود که این موضوع متأثر از ناسیونالیسم قومی و عربی ناصری بود. با حاکم شدن رژیم بعث در عراق، روابط میان دوکشور دچار تیرگی شد. «در این دوره علاوه بر اختلافات قبلی، اختلافات جدیدی از جمله گرایشات پان‌عربیستی رژیم بعث و مخالفت با حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه افزوده شد» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۰: ۳۵۸-۳۵۷). بعد از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز، مناسبات دو کشور از همان ابتدا تنش‌آمیز و به جنگ هشت ساله منتهی شد. در این دوره تمام تلاش‌های سیاست خارجی ایران در قبال عراق، مهار و به عقب راندن عراق و پیروزی بر این کشور از طریق جنگ و حمایت از مخالفان رژیم بغداد بود.

«با پایان جنگ، مذاکراتی جهت حل و فصل مسائل دو طرف آغاز شد، که نتایج چندانی نداشت. برغم این که در جریان حمله عراق به کویت، جمهوری اسلامی ایران سیاست بیطرفی را در پیش گرفت، اما در خلال دهه ۱۹۹۰، بی اعتمادی بین دو کشور حاکم بود و ایران سیاست مهار را همچنان در قبال رژیم بغداد دنبال می کرد. از سوی دیگر، در راستای همین سیاست به حمایت از مخالفان رژیم و تقویت مناسبات دوستانه با حکومت خودمختار کردها در کردستان عراق پرداخت. البته سیاست فوق، در راستای دفع تهدیدهای ناشی از ناسیونالیسم کردی و تأثیراتش بر امنیت ملی ایران و ایجاد توازن با کشورهای همچون ترکیه که در پی گسترش نفوذ خود در شمال عراق بودند، قرار داشت» (منتی، ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۰۰). پس از سال ۲۰۰۳ با سقوط رژیم بعث و حمایت ایران از مردم و دولت جدید عراق و نیز پشتیبانی بدون قید و شرط از روند سیاسی و دموکراتیک در این کشور، روابط دو کشور دچار تحول اساسی شد. با پر رنگ شدن نقش اشتراکات دو کشور فصل جدیدی در روابط ایران و عراق به خصوص در زمینه همکاری های اقتصادی به ویژه در بخش انرژی ایجاد شد.

۴- عوامل تأثیرگذار بر همگرایی اقتصادی ایران و عراق

عوامل ژئوپلیتیک^۱: محیط جغرافیایی و همجواری سرزمینی می تواند بعنوان عاملی در پیوند کشورها و نزدیک کردن راهبردها و سیاست های آنها با هم باشد. «بطور حتم کشورهای یک موقعیت جغرافیایی واحد قرار دارند به نحو اجتناب ناپذیری بر یکدیگر تأثیر می گذارند» (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۸۴). از این حیث ایران و عراق دارای اشتراکات ژئوپلیتیک زیادی هستند و این اشتراکات از زمینه های مهم در پیوند استراتژیک ایران و عراق به شمار می آید. یکی از مشکلات عراق در حوزه ژئوپلیتیک به مسئله تنگنای دریایی این کشور بر می گردد. «عراق از جمله کشورهایی است که سواحل بسیار کوتاهی نسبت به قلمرو خود دارد و این واقعیت سبب تعیین تنگنای ژئواستراتژیک از نظر دسترسی مناسب به دریا، برای این کشور شده است» (فولر، ۱۳۸۹: ۴۹). علاوه بر این تنگنای جغرافیایی، عراق برای دسترسی به خلیج فارس همواره ادعای مالکیت بر اروند رود را داشته و «همین ادعا زمینه ساز و بهانه جنگ هشت ساله با ایران شد» (کریمی پور، عزیزی و ربیعی، ۱۳۹۷: ۲۷). از دیگر مؤلفه های مهم جغرافیایی در پیوند دو کشور، اختلافات مرزی و در صدر آنها مسائل مربوط به اروندرود است.

^۱. Geopolitics

«ایران و عراق دارای بیش از ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک از دهانه فاو تا دالامپراغ هستند. ویژگی این مرز به نحوی است که با همه همسایگان متفاوت است. بطوری که هیچ کدام از این مرزهای این کشور با همسایگانش به اندازه این مرز دچار دگرگونی نشده است» (کریمی‌پور، عزیزی و ربیعی، ۱۳۹۷: ۲۹). در بررسی موقعیت جغرافیای سیاسی کشور عراق به این نتیجه می‌رسیم که این کشور در مرزهای خود با همسایگانش از جمله ایران، ترکیه، عربستان، سوریه، اردن و کویت اختلاف داشته است. با چنین دشواری تنگنای جغرافیای سیاسی، کشور عراق برای تأمین منافع خود در منطقه چاره‌ای نمی‌دید جز اینکه نگاه استراتژیک خود را بر ایران متمرکز سازد، سرزمینی که حدود ۱۸۰۰ کیلومتر خط ساحل در خلیج فارس و دریای عمان، آزمندی بغداد در دوران صدام را سخت به خود جلب نمود. دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس به خط کران‌های کوتاهی حدود ۶۰ کیلومتر محدود است و این محدودیت دسترسی به خلیج فارس، کشور عراق را با مشکلاتی در زمینه توسعه تأسیسات نفتی و قابلیت نظامی و اقتصادی مواجه می‌کند؛ با این وصف برغم منابع غنی انرژی، «عراق برای انتقال نفت به بازارهای بین‌المللی با تنگنای ژئوپلیتیک مواجه است. دسترسی اندک عراق به آب‌های آزاد و قرار گرفتن بنادر صادرات نفت این کشور در حاشیه مرزهای ایران و نیز مالکیت مشترک بر رودخانه اروندرود، موجب شده تأمین امنیت دسترسی آزاد این کشور به نفتکش‌های انتقال دهنده، نفت خام در گرو همکاری دوجانبه با ایران می‌باشد. که این خود می‌تواند نیاز به همکاری ایران را در پی داشته و بستر را برای همکاری راهبردی در مناسبات اقتصادی کشور ایجاد نماید» (صادقی، مارابی و اکسا، ۱۳۹۴: ۱۴۳-۱۴۰).

مؤلفه‌های ژئوکالچر^۱: جمهوری اسلامی ایران بر پایه «اشتراکات فراوان تاریخی، فرهنگی، مذهبی و قومی با کشورهای خاورمیانه از قدرت و نفوذ مناسبی در منطقه برخوردار است» (هرسیچ و توسیرکانی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). این اشتراکات فرهنگی، مذهبی می‌تواند نقش مؤثری در درک مسائل و همگرایی کشورها داشته باشند. بر این اساس، دو کشور ایران و عراق نیز از اشتراکات زیادی برخوردار هستند. وجود عتبات عالیات، حوزه‌های علوم دینی مشترک و دین و مذهب مشترک بعنوان عواملی تعیین کننده در درهم تنیدگی‌های تاریخی و فرهنگی بین مردمان دو کشور تبدیل و به ایجاد روابطی عمیق با همپوشانی‌های فراوان بین دو کشور و

^۱. Geoculture

دو ملت در طول تاریخ منجر گردد. روابط اجتماعی، قبیله‌ای و گسترش جغرافیای انسانی به سمت بخش‌های شرقی در عراق موجب پیوندهای خانوادگی و اجتماعی وسیعی شد و حضور ایرانیان با قدمت کهن در آن سرزمین را نباید فراموش کرد. برغم تلاش‌های گسترده حزب بعث جهت قطع علاقات بین دو ملت و اخراج مواطنین عراقی ایرانی الاصل، باز ما شاهد پیوندهای مستمر و گسترده‌ای از شمال تا جنوب عراق هستیم و طی سالهای اخیر در مراسم اربعین جلوه و خاستگاه ویژه‌ای به خود گرفته است. وجود پیوندهای مذکور، باعث گردیده تا در حوادث و تهدیدهای مشترک اخیر در عراق و سوریه که توسط سلفی‌ها و داعش صورت گرفت. «جوانان دو کشور در کنار هم و با هم به دفع شر شرارات‌های آنان اقدام و خود را در یک جبهه واحد احساس نمایند. این موضوعات بیان کننده امتدادهای حوزه فرهنگی و دینی جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌باشد و در شرایط کنونی بخصوص دوره پساداعش، حفظ و توسعه روابط از اهمیت ویژه و راهبردی در سیاست خارجی کشورمان محسوب می‌شود» (دانایی‌فر، ۱۳۹۶: ۳-۱).

اتحاد شیعیان و کردها: از آنجا که ایران و عراق دو کشور مسلمان و در آنها شیعیان دارای اکثریت می‌باشند. «این امر باعث بوجود آمدن درک متقابل میان دولت-ملت‌های دو کشور شده است. بدین ترتیب، قدرت‌یابی شیعیان در عراق جدید علاوه بر آن که چشم‌اندازهای جدیدی را برای احقاق حقوق بیشتر شیعیان در سایر کشورهای عربی ایجاد کرد؛ برای ایران نیز فرصت‌ساز بوده است و الگوهای جدیدی برای تعامل دو کشور ایران و عراق و روابط دو طرف با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوجود آورده است» (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۲۵۹). «حضور فعال شیعیان در عرصه سیاسی عراق جدید موجب تقویت مواضع ایران در منطقه خاورمیانه شده است. همچنین، قدرت-یابی اقلیت کرد در عراق جدید که سالها کشمکش و منازعه را با دولت بغداد پشت سر گذاشته است و از روابط نزدیک با ایران برخوردارند، بر روند همگرایی و همکاری بین ایران و عراق تأثیر مثبت دارند. در حال حاضر به نظر می‌رسد با وجود حضور اکراد در صحنه سیاسی عراق و مشارکت آنان در قدرت و توجه جمهوری اسلامی ایران به توسعه و آبادانی مناطق مرزی، بستر همگرایی دو کشور بیش از پیش فراهم شده است» (صادقی و عسگرخانی، ۱۳۹۰: ۹۳۹). لذا، اتحاد شیعیان و کردهای عراق که ریشه تاریخی دارد با سقوط صدام این همگرایی به دلیل منافع مشترک دو طرف تقویت شده است. و از آنجا که ایران قابلیت‌هایی را در میان کردها و شیعیان دارد بدنبال تقویت این همگرایی بوده و این امر نقش بسزایی در موفقیت ایران در موقعیت سیاستگذاری و تصمیم‌سازی مسئولان عراقی در حوزه‌های مختلف با ایران بوده است.

مؤلفه‌های ژئواکونومیک^۱: هدف از کاربرد مفهوم ژئواکونومیک، «مطالعه اثرگذاری عوامل یا زیربناهای اقتصادی شامل منابع طبیعی، کانی‌ها، معادن و انرژی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی دولت‌مردان و رقابت بر سر تصاحب و اثرگذاری این منابع در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلتیک ملی، منطقه‌ای و جهانی است» (مجتهدزاده، ۱۳۷۲: ۱۳۱-۱۲۸). هدف از موقعیت ژئواکونومیک ایران و عراق، تأکید بر منابع انرژی دو کشور، شامل ذخایر نفت، گاز و تولید برق می‌باشد. «دو کشور ایران و عراق دارای اقتصاد تک محصولی هستند، و وابستگی شدیدی به نفت دارند و به شدت از تغییر و تحولات در بازار نفت تأثیر می‌پذیرند. بلحاظ اینکه هر دو کشور برای بازسازی و توسعه خود به منابع مالی هنگفت نیاز دارند، هر دو به سیاست‌های اوپک برای به حداکثر رساندن عواید نفتی علاقمند خواهند بود» (فولر، ۱۳۸۹: ۵۹). در این حوزه باید میادین نفتی مشترک و مرزی و اختلاف نظرها را نیز از نظر دور نداشت. «هرچند میادین مشترک نفت و گاز می‌تواند حامل همگرایی باشد. زیرا رونق صنعت نفت عراق موجب نقش‌آفرینی بیشتر این کشور در اوپک خواهد شد و با توجه به ماهیت دولت عراق، در دراز مدت تحولات این کشور از طریق اوپک^۲ موجب تقویت روند همگرایی با جمهوری اسلامی ایران می‌شود» (کریمی‌پور، عزیزی و ربیعی، ۱۳۹۷: ۶-۷). در ادامه به بررسی وضعیت دو کشور در حوزه انرژی می‌پردازیم که شامل ذخایر نفت و گاز و همچنین تولید برق و وضعیت میادین مشترک نفت و گاز دو کشور می‌باشد.

وضعیت نفت و گاز کشور ایران: ایران تنها کشوری است که حجم ذخایر نفت و گاز آن متناسب است یعنی حجم هردو ذخایر نفت و گاز این کشور در سطح جهان بسیار بالاست. ایران از نظر ذخایر اثبات شده نفت خام در سال ۲۰۱۷، «رتبه چهارم پس از ونزوئلا، عربستان و کانادا قرار گرفت و از نظر ذخایر اثبات شده گاز، مقام دوم در جهان را پس از روسیه از آن خود کرد» (BP Statistical, 2019: 38). میزان این ذخایر در حدود «۱۵۷ میلیارد بشکه نفت و در حدود ۳۳/۵۰ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی می‌باشد که تقریباً به ترتیب ۱۰ درصد از ذخایر نفت خام جهان و حدود ۱۳ درصد از ذخایر نفتی کشورهای اوپک و ۱۷ درصد ذخایر گاز دنیا را تشکیل می‌دهد» (Oil&Gaz Journal, 2018: 20). اگر ترکیب مجموع ذخایر هیدروکربنی کشور در نظر گرفته شود، رتبه نخست جهان قرار می‌گیرد. طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی

1. Geo-economics

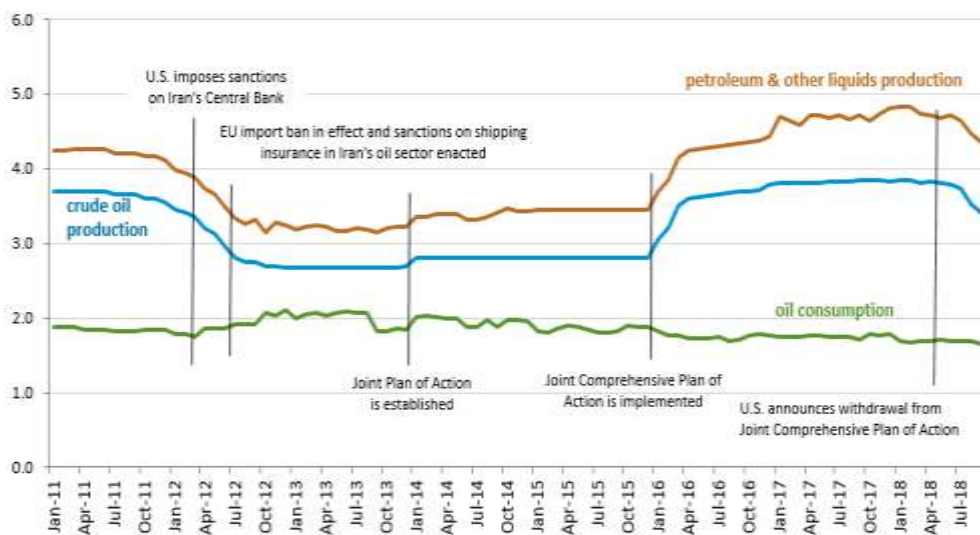
2. Organization of the Petroleum Exporting Countries

امریکا در سال ۲۰۱۷ «کشور ایران با وجود حجم بالای دخایر نفت و گاز تحت تاثیر تحریم‌های بین‌المللی و عدم سرمایه‌گذاری مناسب کشورهای دارای تکنولوژی پیشرفته در حوزه نفت گاز قرار داشته است» (Energy Information Administration, 2017: 12). ایران در سال ۲۰۱۷ «در حدود ۳/۸ میلیون بشکه در روز تولید کرده است و مجموع این میزان با مایعات دیگر حدود ۴/۷ میلیون بشکه در روز بوده است. طبق این گزارش تولید و صادرات نفت خام ایران در سال ۲۰۱۸ بعد از خروج امریکا از برجام کاهش داشته است. و میزان صادرات نفت خام از ۲/۷ میلیون بشکه در روز از ماه ژوئن ۲۰۱۸ به ۱/۹ میلیون بشکه در روز در ماه سپتامبر ۲۰۱۸ رسیده است» (Energy Information Administration, 2018: 19).

میزان تولید و مصرف نفت ایران

Figure 3. Iranian petroleum and other liquids production and consumption

million barrels per day



Note: Iran's petroleum and other liquids production includes crude oil, condensate, and hydrocarbon gas liquids (HGLs).
Source: U.S. Energy Information Administration.

Source: EIA¹, (2018)

¹. Energy Information Administration

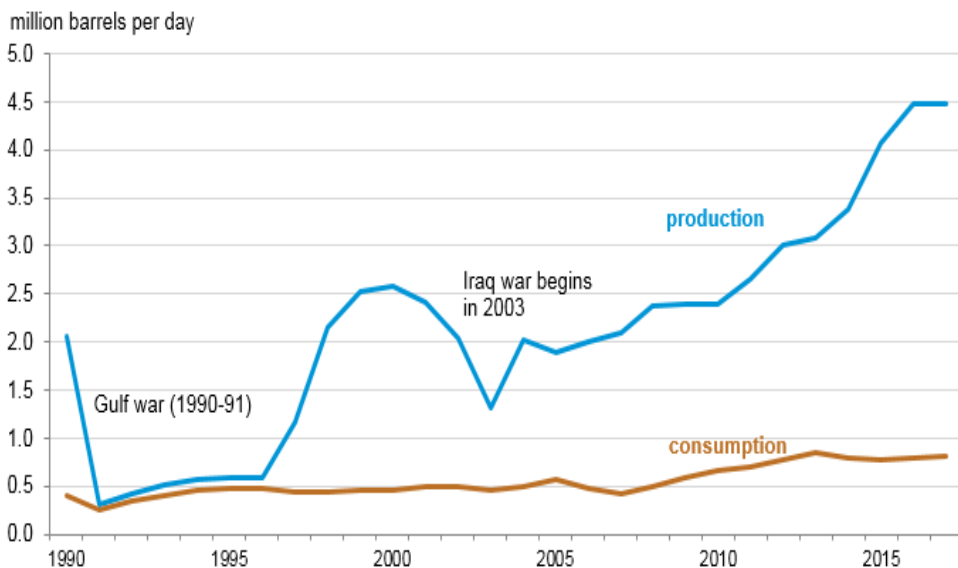
وضعیت نفت، گاز و برق کشور عراق: عراق از معدود کشورهای تولیدکننده نفت و گاز با منابع غنی در دنیا بشمار می‌رود و برای افزایش ظرفیت تولید قابلیت لازم را دارد. علاوه بر این، قرار گرفتن عراق در قلب خاورمیانه و موقعیت ویژه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک آن باعث شده تا این کشور در سیاست بین‌الملل جایگاهی ویژه داشته باشد. «شرکت‌های چند ملیتی به سرمایه‌گذاری در نفت عراق علاقه‌مندند چرا که بر اساس آمارهای ارائه شده منابع عراق مزیای زیادی دارد ۹۰ درصد از حوزه‌های نفتی عراق کشف نشده‌اند و تاکنون تنها ۲۰۰۰ چاه نفت در عراق مورد حفاری و استخراج بوده‌اند. از ویژگی‌های دیگر نفت عراق این است که از هر ۱۰ چاهی که در این کشور به منظور دسترسی به نفت حفاری می‌شود ۸ چاه به نفت می‌رسد در حالی که این رقم برای عربستان ۵ چاه از ۱۰ چاه است. نفت عراق کیفیت خوبی دارد و استخراج آن بسیار آسان است» (تخشید و متین، ۱۳۹۰: ۲۱۴). ویژگی‌های خاص نفت عراق، موقعیت استراتژیک آن منطقه، نابسامانی‌ها و اختلافات داخلی در این کشور سبب شده که بسیاری از کشورهای قدرتمند در پی تسلط بر منابع نفتی این کشور باشند، «به نوعی که بسیاری از تحلیل‌گران، حمله نظامی امریکا به عراق را بعنوان یک جنگ برای نفت قلمداد می‌کنند که امریکا به این طریق بر نفت این کشور مسلط شده و به طرق مستقیم و غیر مستقیم کنترل منابع نفتی این کشور را بدست گیرد» (عبدالله سلمان، عبدالصاحب، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۰). «عراق پس از عربستان و ایران در میان دارندگان ذخایر هیدروکربنی خاورمیانه در مقام سوم و در جهان مقام پنجم را دارد» هرچند تولید نفت عراق با نوسانات زیادی همراه بوده است، اما در آینده ذخایر هیدروکربنی برای این کشور پتانسیل‌های فراوانی در عرصه نفت و گاز طبیعی به همراه خواهد آورد (تخشید و متین، ۱۳۹۴: ۳). «میزان ذخایر اثبات شده نفت (قابل استحصال) عراق در سال ۲۰۱۷ معادل ۱۴۷ میلیارد بشکه برآورد شده است» (OPEC¹ Annual Statistical Bulletin, 2018: 12) کشور عراق در حال حاضر «دومین تولیدکننده نفت خام در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) پس از عربستان سعودی است» (Oil&Gaz Journal, 2019: 27). «تولید نفت خام عراق از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ بطور متوسط حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز افزایش داشته و در سال ۲۰۱۷، به ۴ میلیون بشکه در روز و در نیمه اول سال ۲۰۱۸ این میزان به ۴/۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. با این حال صادرات نفت خام

¹. Organization of the Petroleum Exporting Countries

این کشور بطور میانگین در سال ۲۰۱۷ حدود ۳/۸ میلیون بشکه در روز بوده که عمدتاً بدون تغییر با سال گذشته بوده است» (Energy Information Administration, 2018: 15-25).

میزان تولید، مصرف و صادرات نفت عراق

Figure 1. Iraq's total petroleum and other liquids production and consumption



Source: U.S. Energy Information Administration

Source: EIA, (2018).

عراق از نظر منابع گازی نیز کشوری قابل توجه است به گونه‌ای که «ذخایر قطعی عراق ۳/۱۷ تریلیون متر مکعب و ذخایر احتمالی آن حدود ۴/۳ تریلیون متر مکعب تخمین زده شده است که حدود ۲ درصد کل ذخایر گاز جهان است» (قنبری، ۱۳۹۱: ۵۳). طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی^۱ در سال ۲۰۱۸ «میزان ذخایر ثابت شده گاز طبیعی کشور عراق در حدود ۱۳۵ تریلیون فوت مکعب بوده و رتبه دوازدهم جهان را در اختیار دارد. و حدود سه چهارم ذخایر گاز طبیعی این کشور با نفت همراه است» (International Energy Agency, 2019: 12-28).

¹. International Energy Agency

بخش برق نیز این کشور طی ۱۵ سال گذشته از زمان اشغال این کشور از سوی امریکا، بدلیل از بین رفتن زیرساخت‌ها و گسترش ناامنی همواره با کمبود شدید برق بویژه در ایام پیک تابستان و زمستان مواجه است. «این کشور در سال ۲۰۱۷ بیش از ۹۳ میلیارد کیلووات ساعت تولید برق داشته است و تولید خالص برق این کشور بین سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ بطور متوسط حدود ۱۱ درصد رشد داشته است» (BP Statistical Review, 2018: 24-38). عراق هم اکنون «پیش از ۱۲۰۰ مگاوات برق مورد نیاز و گاز مورد نیاز برای خوراک سه نیروگاه تولید برق خود را از طریق واردات از جمهوری اسلامی ایران تأمین می‌کند که به گفته مقامات عراق، نقش مؤثری در کاهش کمبود برق این کشور دارد» (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۷: ۱).

میادین مشترک نفت و گاز: از نظر جغرافیایی دو کشور ایران و عراق دارای ۱۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک و دارای ذخایر عظیم نفتی و گازی هستند. هرگونه همکاری در حوزه نفت و گاز دو کشور می‌تواند آثار مثبتی بر صنعت منطقه‌ای و بین‌المللی این بخش به جا بگذارد. ایران و عراق در طول مرز مشترک خود دارای ۱۲ میدان نفتی مشترک هستند از جمله میادین عبارتند از: میدان نفت‌شهر (در مجاورت نفت‌خانه)، میدان دهلران (در مجاورت ابوغریب)، میدان پایدار غرب (در مجاورت فکه)، میدان آزادگان (در مجاورت میدان مجنون)، میدان یادآوران (در مجاورت سنباد)، و میدان آذر (در مجاورت میدان بدرا). با توجه به تمرکز ایران و عراق روی توسعه میادین مشترک نفتی، کارشناسان همکاری دوجانبه میان دو کشور در زمینه برداشت یا افزایش تولید از میادین نفتی را توصیه می‌کنند. گرچه طرح این توصیه تازگی ندارد و در سال‌های گذشته مذاکراتی در سطح وزرای نفت پیرامون همکاری دوجانبه ایران عراق برای توسعه میادین نفتی مشترک وجود داشته، اما تا کنون گامی عملیاتی در این راستا برداشته نشده است. «وزیر نفت کشورمان پیش از این از آمادگی ایران برای انتقال تجربه‌های نفتی به عراق خبر داده بود و در سال ۹۵ نیز تفاهم‌نامه‌ای برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از دو میدان مشترک به امضا رسیده بود» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۷: ۱-۲). با این حال به نظر می‌رسد اجرایی شدن تفاهم‌نامه‌هایی از این دست، نیازمند اراده سیاسی جدی‌تر میان دو کشور است. همکاری دوجانبه میان کشورهای صاحب منابع نفتی و گازی مشترک، می‌تواند منجر به برداشت صیانتی از میادین مشترک شده و با تعدیل رقابت برای افزایش برداشت هر طرف، مانع آسیب دیدن این مخازن و افزایش طول عمر آنها شود.

فرصت‌های پیش روی همکاری‌های ایران و عراق: همکاری در زمینه‌های انرژی و نفت

بین جمهوری اسلامی ایران و عراق با رشد گام به گام در سالهای اخیر به یکی از حوزه‌های همکاری راهبردی دو کشور تبدیل شده است. از این رو، «انتظار می‌رود که فعالیت شرکت‌های نفتی چند ملیتی در عراق، بویژه در مناطق نفتی مشترک دو کشور، به نحوی مدیریت شود که به روابط صمیمانه موجود در میان این دو کشور همسایه لطمه وارد نشود. زیرا ایران بعنوان کشوری که دارای قابلیت‌های فنی و مهندسی و امکانات ویژه در صنعت نفت است می‌تواند در بازسازی و توسعه صنعت نفت عراق سهم عمده‌ای داشته باشد از جمله نقاط قوت ایران، می‌توان به تجارب ارزشمند این کشور در زمینه ساخت پالایشگاه اشاره کرد» (صابر و اخباری، ۱۳۹۷: ۵۰).

با توجه به اینکه «عراق، اجرای تعدادی پالایشگاه را در برنامه‌های خود گنجانده است، لذا ایران می‌تواند در طرح‌های مذکور و همچنین تولید نفت در طرح‌های مشترک همکاری نماید. طرح دیگری که ایران می‌تواند در اجرای آن به عراق کمک نماید، بهره‌برداری از گازهای همراه نفت است که در حال حاضر به هدر می‌رود در حالی که درآمد حاصل از آن می‌تواند به چیزی حدود ۳ میلیارد دلار در سال بالغ شود. تاکنون طرح‌هایی مانند صادرات برق، توسعه میدان‌های نفتی مشترک و همچنین طرح احداث خطوط لوله که نفت خام عراق را به ایران ارسال و محصولات نفتی را پس از پالایش به عراق منتقل سازد، مورد توجه قرار گرفته‌اند» (نوروزی و غفاری، ۱۳۹۳: ۱۷۳-۱۶۹ و ثقفی عامری، ۱۳۸۹: ۲۱۴). جمهوری اسلامی ایران و عراق بعد از گذشت ۱۵ سال از سقوط رژیم صدام توانسته‌اند یکی از پایدارترین روابط اقتصادی را در منطقه ایجاد کنند که به اعتقاد کارشناسان، ستون این مناسبات اقتصادی بر پایه حوزه نیرو و انرژی بنا شده است. همچنین «کارشناسان اقتصادی ایرانی و عراقی اتفاق نظر دارند که استحکام مناسبات در بخش نیرو بین دو کشور چنان قوی است که حتی آمریکا ناچار شده است در تحریم‌های یکجانبه خود علیه جمهوری اسلامی ایران، بغداد را برای چندمین بار معاف کند» (خبرگزاری ایرنا، ۴ دی ۱۳۹۷). بر اساس آخرین آمارها «ایران ۱۳۵۰ مگاوات برق از طریق سه خط انتقالی در بصره، دیاله و عماره به عراق صادر می‌کند» (دانایی فر، ۱۳۹۶: ۲). در حوزه انتقال گاز، اگرچه در زمان سفر اول آقای زنگنه به بغداد، فقط خط لوله گاز کرمانشاه به دیاله فعال شده بود اما اکنون خط لوله گاز آبادان به بصره نیز فعال شده و «حجم صادرات گاز از ایران به عراق از کف هفت میلیون مترمکعب در روز اکنون به ۱۸ میلیون مترمکعب رسیده و بنا است این رقم به ۲۵ میلیون مترمکعب برسد» (خبرگزاری ایرنا، ۲۰ دی ۱۳۹۷). علاوه بر برق و گاز،

جمهوری اسلامی ایران در حوزه نفت نیز دارای یک قرار داد مهم سوآپ نفتی بین دو کشور است که تاکنون به اجرا در نیامده است. در صورت اجرای این طرح، انتظار می‌رود روزانه ۶۰ هزار بشکه نفت از چاه‌های نفت کرکوک از طریق سوآپ توسط ایران صادر شود. دو کشور در زمینه بهره‌برداری از میادین نفتی مشترک آمادگی خود را اعلام کرده‌اند جدا از این همکاری‌های دو جانبه در زمینه انرژی و نفت، می‌تواند فرصت تازه‌ای برای هماهنگی سیاست‌های نفتی دو کشور در سازمان اوپک باشد بویژه این که دو کشور از سیاست‌های اوپک در خصوص سهمیه‌بندی‌های نفتی به منظور افزایش قیمت نفت حمایت کرده‌اند. مشارکت شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های نفتی عراق از جمله حفاری‌های نفتی در جنوب این کشور و انتقال تجربیات و فناوری ایران در زمینه نفت و فراورده‌های آن از دیگر حوزه‌های مهم همکاری بین دو کشور بشمار می‌رود. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در چندین محور با همکاری با کشور عراق، علاوه بر استفاده از فرصت‌ها، در صدد تبدیل تهدیدات موجود به فرصت‌های جدید برآید.

چالش‌های پیش‌روی همکاری‌های ایران و عراق: ایران از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ در پیشبرد راهبرد اصلی سیاست خارجی خود با چالش‌های مختلفی در سطح داخلی عراق و سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه بوده است. سیاست تقویت یک دولت دوست در بغداد و حضور مؤثر در معادلات سیاسی و گاهی نظامی عراق به درخواست دولت این کشور، همواره از سوی برخی از جریان‌های سیاسی عراقی، رقبای منطقه‌ای ایران به ویژه عربستان و ترکیه مورد انتقادات شدیدی بوده است. از لحاظ داخلی نیز، برخی از جریان‌های سیاسی عراقی همواره با سیاست خارجی ایران در عراق و نقش ایران در صحنه سیاسی این کشور مخالفت کرده و گاهی منشأ چالش‌های زیادی برای پیشبرد راهبرد سیاست خارجی ایران بوده‌اند. یکی از نگرانی‌های ایران بعد از سرنوشتی رژیم بعث «به قدرت رسیدن دوباره جریان‌های سیاسی ضد ایرانی در بغداد بود، که می‌توانستند همچون گذشته تهدیداتی را متوجه امنیت و منافع ملی ایران کنند. این جریان‌ها بعد از ۲۰۰۳ در صحنه سیاسی حضور داشته‌اند و طیف مختلفی از ملی‌گرایان عرب-عراقی تا اسلامگرایان سنی افراطی یا احزابی نزدیک به آمریکا که در مناصب عالی دولتی نیز حضور پررنگی داشته‌اند، را شامل می‌شد. آمریکا همواره سعی داشت با مشارکت دادن نخبگان سنی و سکولار شیعه که مواضع غیردوستانه‌ای در قبال ایران داشتند، از نفوذ ایران در

عراق بکاهد» (Al-qarawee, 2014: 9-11). از دیگر چالش‌های ایجاد شده توسط امریکا در عراق برای ایران بحث تحریم‌های امریکا و خروج این کشور از برجام است. که عربستان و اسرائیل از حامیان اصلی این سیاست بوده‌اند و از ترامپ درخواست کرده‌اند که تحریم‌های جدیدی علیه ایران وضع نماید تا از این طریق بتوانند از نفوذ این کشور در منطقه جلوگیری کنند (خراسانی، اژدری و معصومی، ۱۳۹۸: ۱۳۲). با این حال با خروج امریکا از برجام سایه سنگین فشارها و تحریم‌های امریکا و وزارت خزانه‌داری این کشور بعنوان مانعی جدی بر سر راه روابط اقتصادی عراق و ایران بویژه در حوزه مناسبات بانکی و ارزی عمل می‌کند و در این مدت نیز فشارهای واشنگتن تأثیرات منفی جدی را بر این روابط داشته است. دولت امریکا برای کاهش روابط اقتصادی ایران و عراق به ممنوع ساختن تعاملات دلاری پرداخته و در تلاش است تا واردات گاز و برق از ایران را نیز بتدریج محدود کند. در این ارتباط می‌توان به دیدار آقای ریک پری^۱ وزیر انرژی ایالات متحده در ملاقات با مقامات دولت جدید در عراق اشاره کرد که در این دیدار «خواستار افزایش تولید نفت توسط آنها و صادرات نفت به ترکیه شد. او در این سفر حامل پیام قاطع دولت ترامپ به حکومت عراق مبنی بر عزم جدی امریکا برای کاهش وابستگی عراق در زمینه انرژی به منظور مقابله با نفوذ ایران در عراق بود. امریکا در این راستا بطور جدی از دولت عراق می‌خواهد که صادرات نفت خود را بالا ببرد، تولید داخلی برق را افزایش دهد و مصرف گاز را کاهش دهد تا در این زمینه به ایران وابسته نباشد و در نتیجه نفوذ ایران در عراق کاهش یابد. وزیر انرژی امریکا همچنین خواستار افزایش مشارکت و همکاری عراق با شرکت‌های آمریکایی شد» (www.energy.gov, 2018).

نتیجه‌گیری

این نوشتار کوشید نشان دهد که پس از سال ۲۰۰۳ با سقوط رژیم بعث و حضور شیعیان و افراد در ساختارهای قدرت عراق، با پر رنگ شدن نقش اشتراکات دو کشور فصل جدیدی در روابط ایران و عراق بخصوص در زمینه همکاری‌های اقتصادی بویژه در بخش انرژی ایجاد شد. و این اشتراکات مذهبی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و عراق باعث نزدیک شدن دیدگاه‌های سران دو کشور و شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی دو کشور در حوزه‌های مختلف از جمله انرژی شده است. گرچه همگرایی دو کشور با چالش‌های متعدد داخلی، منطقه‌ای و

^۱. Rick Perry

بین‌المللی بوده و خواهد بود. در این مقاله همچنین با تأکید بر نظرات ارنست هاس به بهره‌گیری از آموزه‌های نظریه همگرایی پرداخته شد. این برداشت از همگرایی، گروه‌های ذینفع و احزاب سیاسی در داخل کشورها نیز منافعی را در ایجاد همگرایی دنبال و بر منافع مشترک متقابل تأکید می‌کنند. و در ادامه با کاربست مدل ترکیبی از مؤلفه‌های همگرایی اقتصادی ایران و عراق در حوزه انرژی را بر اساس سه مؤلفه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر اشاره شد و نشان دادیم که از ترکیب سه مؤلفه فوق می‌توان چشم‌انداز مناسبی را در آینده همگرایی اقتصادی ایران و عراق در حوزه انرژی متصور بود و مشخص گردید هرکدام از این مؤلفه‌ها چگونه بر روند همگرایی دو کشور نقش دارند. با این تفاسیر با وجود نقش مثبت عوامل سه‌گانه در روند همگرایی دو کشور ایران و عراق به این نکته باید تأکید داشت که تأثیر این عوامل در صورتی کارساز خواهد بود که دولت‌های دوست و متحد در دو کشور بر سرکار باشند و تصمیم سازان دو کشور درک مشترکی از مسائل مختلف بخصوص مؤلفه‌های فوق داشته باشند. در مجموع با توجه تحولات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر در عراق بعد از ۲۰۰۳ و ظهور یک دولت دوست و متحد ایران در این کشور، باعث شکل‌گیری و تداوم همگرایی دو کشور در حوزه های مختلف شده است. که با درک واقعیت‌های موجود توسط دو طرف می‌تواند گسترش یابد. با این حال برغم فرصت‌های فراوان ایران در حوزه همکاری‌های اقتصادی به‌خصوص حوزه انرژی با کشور عراق، در این مسیر با چالش‌ها و تهدیدات بی‌شماری روبرو شده و در آینده خواهد بود. که از عمده‌ترین تهدیدات، می‌توان تهدیدات در سطح داخلی عراق از جمله فقدان یک قانون جامع نفت و گاز، ناسیونالیسم عربی، گروه‌های اسلام‌گرای سنی، تفاوت‌های هویتی و در سطح خارجی شامل فعالیت‌های کشورهای منطقه‌ای از جمله عربستان، امارات و ترکیه در عراق و در سطح بین‌الملل حضور امریکا در عراق و خروج این کشور از برجام و اعمال تحریم‌های جدید علیه صنعت نفت ایران از چالش‌های اساسی پیش‌روی ایران در عراق می‌توان نام برد. با این حال وضعیت پیچیده ایران در حوزه انرژی و شرایط تحریم‌ها و کارشکنی‌های طرف غربی، وجود مخازن مشترک نفت و گاز با عراق و مواردی از این دست، ایجاب می‌کند که جمهوری اسلامی ایران نیز به صورت خاص به حوزه انرژی عراق بخصوص نفت و گاز و فرصت‌ها و تهدیدات احتمالی این کشور برای حوزه انرژی ایران توجه داشته باشد. از آنجا که امکان جبران و جایگزینی نفت ایران از سوی نفت عراق بسیار زیاد است و از سوی دیگر، عراق می‌کوشد موقعیت خود را در اوپک بهبود بخشیده و طی برنامه‌های خویش در صدد افزایش میزان تولید

نفت خویش به دوازده میلیون بشکه در روز تا چند سال آینده است که همین امر می‌تواند موقعیت ایران را از لحاظ سیاسی و اقتصادی به خطر اندازد، لذا جمهوری اسلامی ایران می‌بایست با تحلیل دقیق و درک واقعیت‌های موجود، چالش‌های پیش رو را مدیریت و آنها را به فرصت تبدیل نماید و با توجه به پیش‌بینی‌های کارگشا نسبت به آینده، در صدد ایجاد ائتلاف جدی با کشور عراق برآمده و ضمن تلاش برای حفظ سهم و ثروت خویش در مخازن مشترک، در راستای تبدیل تهدیدات احتمالی به فرصت‌های جدید برآید و با ایجاد همکاری مشترک، زمینه قدرتمندی هر دو کشور را در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی فراهم آورد.

منابع و مأخذ

- ایرنا (۱۳۹۷)، «انرژی؛ ستون فقرات روابط اقتصادی ایران و عراق»، خبرگزاری ایرنا، ۴ دی، در: <http://www.irna.ir/fa/News/83147267>
- ایرنا (۱۳۹۷)، «زنگنه در بغداد؛ نفت و انرژی حوزه همکاری راهبردی ایران و عراق»، خبرگزاری ایرنا، ۲۰ دی، در: <https://www.irna.ir/news/83165553>
- تابناک (۱۳۹۷)، «پیشنهاد وسوسه انگیز آمریکا به عراق برای همراهی با تحریم‌ها علیه ایران»، خبرگزاری تابناک، ۲۱ آذر، در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/860092>
- تخشید، محمدرضا و مهدی متین (۱۳۹۰)، «تسلط بر منابع نفتی استراتژیک خلیج فارس و تهاجم نظامی ایالات متحده به عراق»، فصلنامه مطالعات جهان، شماره اول، پاییز، صص ۲۳۲-۲۰۵.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۹)، «توسعه صنایع نفت عراق و تأثیر آن بر بازار انرژی ایران»، مجموعه مقالات نفت و سیاست خارجی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، پاییز ۱۳۸۹.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و ابوالفضل کاوندی کاتب (۱۳۸۹)، «روابط ایران و کشورهای عربی پس از حمله آمریکا به عراق»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، (۶۲)، صص ۲۶-۹.
- خراسانی اسمعیلی، پریسا، بهناز اژدری و مجید معصومی (۱۳۹۸)، «موازنه برون‌گرایی هیئت جدید رهبری عربستان سعودی در برابر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۶۳، زمستان، صص ۱۳۷-۱۱۳.
- دانایی‌فر، حسن (۱۳۹۶)، «بررسی اهداف و روابط جمهوری اسلامی ایران در عراق پس از داعش»، تهران، خبرگزاری فراتاب، ۹ اسفند، در: <http://www.faratab.com/news/7481>
- دانایی‌فر، حسن (۱۳۹۸)، «روابط اقتصادی ایران و عراق پس از سال ۲۰۰۳؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، خبرگزاری مهر، ۱۰ تیر، در: <https://www.mehrnews.com/news/46551>

- دوثرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس، چاپ دوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی، تهران: نشر مخاطب.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۸)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران: نشر سفیر.
- شریعتی، شهروز (۱۳۹۶)، «نقش مؤلفه‌های انسدادی ساختاری در روند همگرایی منطقه‌ای ایران و عراق»، فصلنامه دولت‌پژوهی، شماره ۱۱، ۵۱-۲۷.
- صابر، زهرا و محمد اخباری (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های ژئوپلیتیک اثرگذار آمایش منطقه مرزی ایران و عراق» پژوهشنامه مطالعات مرزی، شماره ۱، بهار، صص ۷۰-۴۵.
- صادقی، سید شمس‌الدین، مهری مارابی و نرگس اکسا (۱۳۹۵)، «ایران-عراق چشم‌اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دوجانبه»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۲، صص ۱۶۲-۱۲۹.
- صادقی، سعید و ابومحمد عسگرخانی (۱۳۹۰)، «بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲۵، صص ۹۴۹-۹۲۷.
- فاخری، مهدی و مسعود همدانی (۱۳۹۸)، «روند همگرایی اقتصادی در امریکای لاتین»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۶۳، زمستان، صص ۷۱-۵۳.
- فولر، گراهام (۱۳۸۹)، قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- قنبری، سعید (۱۳۹۱)، «نگاهی بر روند تعاملات دو کشور ایران و عراق در بهره‌برداری از منابع مشترک مرزی»، ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره ۹۰، صص ۱۲۵-۱۲۰.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
- کریمی‌پور، یدالله، امیرحمزه عزیزی و حسین ربیعی (۱۳۹۷)، «تبیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیک اثرگذار بر پیوند استراتژیک کشورها ریا؛ مطالعه موردی ایران و عراق»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۴۸، صص ۳۹-۲۱.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی (۱۳۹۴)، «واکاوی زمینه‌های همگرایی ایران و پاکستان»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۴۸، صص ۱۱۰-۸۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- نادری‌دوست، علی (۱۳۸۶)، شیعیان عراق؛ نقش و جایگاه آنان در آینده ساختار سیاسی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، تهران: نشر آشیانه مهر.
- نوروزی، محمد و امیرحسین غفاری (۱۳۹۳)، «تبیین الزامات دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و عراق با تأکید بر صنعت نفت»، دهمین همایش بین‌المللی انرژی، مطالعات سیاسی نفت و گاز، ۲۳ مهر، در:

- هرسیچ، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۸)، «مقایسه میزان قدرت نرم ایران و ایالات متحده امریکا در خاورمیانه»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲۵، صص ۲۰۳-۱۶۹.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۰)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر پیکان.
- al-Qarawee, Hasan, Harith (2014), "Iraq's Sectarian Crisis: A Legacy of Exclusion", April 23, available at: <http://carnegie-mec.org/2014/04/23/iraq-s-sectarian-crisis-legacy-of-exclusion-pub-55372>.
- BP Statistical Review, (2018), BP Statistical Review of World Energy 2018 (June), 67th edition, 1-54 .
- BP Statistical Review, (2019), BP Statistical Review of World Energy 2019 (June 2019), 68th edition, 1-69 .
- Energy Information Administration. (2017), "Iran: Country Analysis Brief". Available at: <http://www.eia.doe.gov/cabs/caspase.html>, (accessed on 2018, December.)
- Energy Information Administration. (2018), "Iran: Country Analysis Brief". Available at: <http://www.eia.doe.gov/cabs/caspase.html>, (accessed on 2018, July.)
- Haas, Ernst B (1958), the Uniting of Europe, Stanford: Stanford University Press.
- Hass, B. Ernest (1964), Beyond the Nation-State, California: Stanford University Press.
- Haas, E.B, (1975), The Obsolescence of Regional Integration Theory, Berkeley: University of California, Institute of International Studies (25.)
- International Energy Agency (2019), "International Energy Agency: Iraq's Energy Sector a Roadmap to a Brighter Future", Available at:
- https://www.connaissancedesenergies.org/sites/default/files/pdf-actualites/Iraq_Energy_Outlook.pdf .
- (Accessed on 2019, April.)
- Katzman, Kenneth (2010), "Iran-Iraq Relations, Congressional", Research Service.
- Mitrany, D. (1966). A Working Peace System. Chicago: Quadrangle Books.
- Oil & Gas Journal, (2018), "Worldwide Look at Reserves and Production", Oil & Gas Journal (January 1, 2018.)
- Oil & Gas Journal, (2019), "Worldwide Look at Reserves and Production", Oil & Gas Journal (January 1, 2019.)
- OPEC (2018), OPEC Annual Statistical Bulletin, (2018), 53rd edition.
- "Readout of Secretary Perry's Visit to Iraq and Kurdistan", (December, 11, 2018), accessible at: <https://www.energy.gov/articles/readout-secretary-perry-s-visit-iraq-and-kurdistan>.
- Salem, Paul (2013), "Iraq's Tangled Foreign Interests and Relations", Carnegie Middle Center, paper, available at: www.carnegie-mec.org/publications.
- Salih Mustafa, Mohammad (2016), "Iran's Role in the Kurdistan Region", Al Jazeera Centre for Studies.
- Sönmez, A. Sait (2012), "Iran's Iraq Policy After The Second Gulf War". Journal of International Social Research 5, no. 21